

نظریه شماره ۵: ۱۳۸۷/۲/۳۱-۷/۱۲۰۷

منظور از اولین جلسه، اولین جلسه رسیدگی دادگاه است بدین معنی چنانچه پرونده در دادسرا مطرح بوده و منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد، دادستان مجاز است تا اولین جلسه رسیدگی دادگاه قرار تعلیق تعقیب کیفری متهم را صادر نماید.

نظریه شماره ۵: ۱۳۸۷/۲/۳۱-۷/۱۲۰۷

چنانچه دادستان به دادیار «جانشین خود» اجازه صدور قرار تعلیق کیفری متهم را داده باشد، در این صورت لزومی به موافقت دادستان نمی‌باشد؛ در غیر این صورت قرار تعلیق تعقیب کیفری صادره از سوی ایشان باید به موافقت دادستان برسد.

نظریه شماره ۵: ۱۳۸۷/۲/۱۵-۷/۷۴۹

هر چند مرحله واخواهی ادامه رسیدگی در مرحله بدوی است معذالک نظر به این که مطابق ماده (۱۱) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، شاکی می‌تواند تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان بدهد و چون حکم غیابی نسبت به شاکی حضوری است بنابراین شاکی تکلیف داشته تا قبل از اعلام ختم دادرسی دادخواست خود را تقدیم دادگاه نماید و لذا در مرحله واخواهی که بعد از اعلام ختم دادرسی در مرحله بدوی است، قبول دادخواست ضرر و زیان نمی‌تواند قابل قبول باشد.

نظریه شماره ۵: ۱۳۸۷/۲/۲۳-۷/۱۰۴۳

هر گونه تغییر در شماره شاسی و موتور و یا پلاک‌های موتور و شاسی و وسایط نقلیه موتوری که از سوی کارخانه سازنده حک یا نصب شده، بدون تحصیل مجوز از راهنمایی و رانندگی عمل مجرمانه تلقی و برابر ماده (۷۲۰) قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب مجازات است. لازم است با استفاده از کارشناسان مجرب و تجهیزات پیشرفته نسبت به مشخص کردن شماره‌های مزبور شماره اصلی تعیین تکلیف شود. در صورت غیر قابل تشخیص بودن امر مذکور با توجه به این که خارج کردن شماره موتور یا شاسی از وضعیت اصیل اولیه دلیل ارتکاب جرم تلقی شده و موضوع از این حیث با مقررات ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی انطباق دارد و مشخص کردن وضعیت وسیله نقلیه بر پایه مقررات ماده (۱۰) مرقوم بلاشکال است.

نظریه شماره ۵: ۱۳۸۷/۲/۱۵-۷/۷۴۰

چنانچه مرجع رسیدگی احراز کند که موضوع اعلام شده در صورت جرم بودن خارج از صلاحیت اوست باید قرار عدم صلاحیت صادر کند.

نظریه شماره ۵: ۱۳۸۷/۲/۱۵-۷/۷۴۰

در صورتی که در پرونده‌ای که موضوع آن یکی از جرایم قابل گذشت است و به نظر قاضی رسیدگی کننده عمل انتسابی جرم نباشد لکن شاکی گذشت نماید، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد.

نظریه شماره ۵: ۱۳۸۷/۱/۲۸-۷/۳۲۶

هر چند به موجب ماده (۵۱) قانون مجازات اسلامی، جنون در حال ارتکاب جرم از هر درجه باشد رافع مسئولیت کیفری است ولی تشخیص این امر که عقب ماندگی ذهنی از مصادیق ماده مرقوم بوده و عقب مانده‌ی ذهنی که مرتکب جرم شده فاقد مسئولیت است، پس از تحقیق و کسب نظر پزشک متخصص به عهده دادگاه یا قاضی رسیدگی کننده می‌باشد.

نظریه شماره ۵: ۱۳۸۷/۲/۳-۷/۴۲۹

با عنایت به ماده (۲۱۷) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و تبصره "۲" آن، جرایمی که جنبه حق‌اللهی نداشته باشد و اخذ توضیح از متهم به نظر دادگاه ضروری نباشد، در این صورت دادگاه می‌تواند اقدام به صدور رأی غیابی بنماید. بنابراین در بزه رابطه نامشروع که مجازات آن تعزیر شرعی دارای جنبه حق‌اللهی است، نمی‌توان در این خصوص حکم غیابی صادر نمود.